

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

صص ۴۳۱-۳۹۹

بررسی نهاد اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان: با نگاه تطبیقی به حقوق انگلستان^۱

طلعت جمالی^۲، فضل‌الله فروغی^۳، شهرام ابراهیمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

چکیده

زمینه و هدف: اختیار پاسخ‌دهی به جرم توسط مقامات پلیسی، در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی به‌ویژه انگلستان دارای سابقهٔ دیرینه است. از این اختیار، باعنوان «پاسخ‌های خارج دادگاهی پلیس» یاد می‌شود؛ قانون‌گذار ایران با پیش‌بینی نهاد اخطار در زمرهٔ اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، برای نخستین‌بار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، در مرحلهٔ پلیسی به این‌گونه اختیارات توجه کرده است. این پژوهش قصد دارد با نگاهی تطبیقی به بررسی ماهیت و ابهامات نهاد اخطار در مرحلهٔ پلیسی پردازد.

روش: این پژوهش به‌صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است و یافته‌های آن، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، مقاله‌ها و پژوهش‌های لاتین گردآوری شده است.

یافته‌ها: بررسی تطبیقی موضوع در کشور انگلستان نشان می‌دهد که لازمهٔ کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی نهاد اخطار توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، تبیین دقیق ماهیت این نهاد، توسعهٔ مصادیق اعمال آن مابه ازای سایر جرایم خرد و سبک و همچنین تفکیک شرایط اعمال آن در مقابل بزه‌کاران بزرگ‌سال و نوجوان است.

نتایج: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اعطای برخی اختیارات در راستای برخورد با جرایم خرد به پلیس، ضمن حفظ تعامل بین پلیس و دستگاه قضایی به تقویت جایگاه پلیس در فرآیند دادرسی کیفری منتهی می‌شود. به موجب نتایج حاصل از این پژوهش کاربست نهاد اخطار به شرطی هویدا خواهد شد که در شروع به تعقیب فرایند کیفری اعمال شود. هرچند قانون‌گذار برای نخستین‌بار در حقوق ایران به پیش‌بینی این اختیار در مرحلهٔ پلیسی پرداخته است؛ اما مشخص نبودن ماهیت و محدوده آن منجر به ایجاد ابهاماتی شده است.

واژگان کلیدی: اخطار پلیسی، تعقیب‌زدایی، پاسخ‌های خارج دادگاهی، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان.

۱. این مقاله برگرفته از رسالهٔ دورهٔ دکتری باعنوان «امکان‌سنجی توسعه اختیارات قضایی ضابطین دادگستری در حقوق کیفری ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس» است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

jamali_talat@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: forghi@shirazu.ac.ir

۴. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه:

shahram.ebrahimi@gmail.com

مقدمه

از ضرورت‌های نظام‌های کیفری نوین در پاسخ‌دهی به جرم، به کار بردن روش‌هایی است که کمترین هزینه و بیشترین کارایی با خود به همراه داشته باشد؛ یکی از این روش‌ها بکارگیری تدابیر تعقیب‌زدا یا نه توسط مقامات پلیسی است. از آنجا که اولین برخورد مرتکب با نظام عدالت کیفری همواره با پلیس ثبت می‌شود (مؤذن‌زادگان و همکاران، ۱۳۹۵، ۴۶) امکان توقف تعقیب دعوای کیفری با واگذاری اختیار ارزیابی تعقیب و پیامدهای آن به مقامات پلیسی، می‌تواند نقش مؤثرتری در پرهیز از ورود بزهکار به فرایند رسمی دادرسی کیفری داشته باشد. به کارگیری این شیوه پاسخ‌دهی به جرم توسط مقامات پلیسی در کشورهای وابسته به خانواده حقوق عرفی چون انگلستان دارای سابقه دیرینه است. پلیس در این کشور، در کنار اختیاراتی که برای انجام تحقیقات مقدماتی جرایم بر عهده دارد، اختیارات عمده‌ای در زمینه متوقف کردن رسیدگی‌های کیفری یا جلوگیری از ورود مرتکبان به سیستم عدالت کیفری از طریق اعمال نهاد اخطار پلیسی دارد؛ که از آنها با عنوان «پاسخ‌های خارج دادگاهی»^۱ نیز یاد می‌شود و در برخی شرایط و اوضاع و احوال و در دسته‌ای از جرایم، به‌ویژه جرایم خرد، می‌تواند صرفاً با صدور یک اخطار، پرونده را مختومه نماید (جافریان، ۱۳۹۵، ۲۱). به عبارت دیگر، پلیس با توجه به اختیاراتی که دارد، در نقش مقام قضایی اقدام می‌کند (شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵، ۸۷). در حقوق کیفری ایران، وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری تحت نظارت و تعلیمات قضات تعقیب، تحقیق و دادرسی اعمال می‌شود. (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۷، ۵۵۸) و اختیار کنارگذاری دائم یا موقت پرونده‌های جرایم خرد، مربوط به مقامات قضایی چه در دادسرا و چه در دادگاه و چه در مرحله اجرای احکام بود و مقامات پلیسی، در این باره فاقد اختیار بودند و سیاست قضازدایی بدون توجه به لزوم پلیسی‌زدایی یا قضازدایی پلیسی در دستور کار قانون‌گذار ایران قرار

۱. Out of court disposals.

گرفته بود. (اسفندیاری و نورپور، ۱۳۹۶، ۶۲) با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، و پیش‌بینی اعمال نهاد اخطار توسط پلیس قانون‌گذار برای نخستین بار، راهبردهای شبیه سیاست قضازدایی را بکار گرفت که در مراحل دادسرا و دادگاه در مورد جرایم خرد اعمال می‌شود و پلیس نیز واجد اختیارات متوقف‌سازی پرونده شد. (بیابانی و صابری تولایی، ۱۳۹۵)

اعطای اختیار اعمال نهاد اخطار توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، به‌عنوان مصداقی از پاسخ‌های خارج دادگاهی پلیس ممکن است باعث طرح مسائلی شود؛ از جمله اینکه، در دادرسی کیفری کنونی ایران که مبتنی بر تقسیم مراحل بوده و در خصوص پلیس تأکید اصلی بر مرحله کشف جرم است و بر صلاحیت‌های اجرایی و اداری تأکید گردیده، اعطای اختیار اعمال اخطار به پلیس که در واقع بیانگر اعطای صلاحیت قضایی به آنان در تعیین مجازات می‌باشد، مبتنی بر چه مبانی و توجیهاتی است؟ ابهامات و چالش‌های پیش‌روی اعمال این نهاد توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان چه می‌باشد؟ در نتیجه، سامان مقاله آن خواهد بود که در ابتدا به بررسی مبانی و دلایل توجیهی بکارگیری نهاد اخطار توسط پلیس می‌پردازیم، سپس ابهامات و چالش‌های موجود در ارتباط با این نهاد بررسی خواهد شد و در نهایت، نتیجه‌گیری برای ارائه پاسخ به سوال‌های بالا آمده است.

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

مهر و رودسرابی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با‌عنوان «قضازدایی پلیسی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان؛ مبانی و جلوه‌ها» به این نتیجه رسیده‌اند که؛ قضازدایی پلیسی به‌عنوان راهکاری که پلیس با توسل به آن در صدد جلوگیری از ورود مرتکبان جرائم سبک به فرایند کیفری سنتی است، سابقه دیرینه در انگلستان دارد و به‌دلیل تبعیت این کشور از نظام حقوقی کامن‌لا، حاکم بودن نظام دادرسی اتهامی بر آن و عدم وجود نهاد دادسرا حداقل تا چند دهه قبل، پلیس ارگان اصلی در مرحله پیش دادرسی تلقی

می‌شود و تقریباً اکثر اختیارات تعقیبی و قضازدایانه را در اختیار دارد. اما در حقوق کیفری ایران که پلیس یک نهاد اجرایی زیر نظر مقام قضایی بوده، اختیار قضازدایی به‌طور قانونی به آن واگذار نشده است.

تقی‌پور و سلیمی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر اندیشه‌های جرم‌شناسی بر کاهش موارد تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری» کاهش موارد تعقیب، راهبردی است که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته و بدین وسیله، شیوه‌های پاسخ‌دهی به بزهکاری را متنوع کرده است. در این راستا، مقام قضایی با رویکردی مصلحت‌نگر با ارزیابی همه جانبه نسبت به ابعاد مربوط به فرآیند ارتکاب جرم، مناسب‌ترین شیوه را برمی‌گزیند تا مصلحت جامعه و متهم رعایت شود. رویکرد مزبور به‌عنوان الگویی الهام‌بخش برای تحدید دامنه مداخله نظام عدالت کیفری در قبال جرایم خرد به‌شمار می‌رود. بر این اساس، هدف نظام عدالت کیفری صرفاً تعقیب و تحمیل مجازات نبوده و از همه ظرفیت‌ها برای پاسخ‌دهی به بزهکار استفاده می‌نماید. تحت تأثیر این راهبرد، قانون‌گذار مبادرت به پیش‌بینی بایگانی پرونده، تعلیق تعقیب، میانجیگری کیفری و کیفرخواست شفاهی در راستای کاهش آثار نامطلوب محیط کیفری و بازگشت سریع متهم به اجتماع کرده است.

بیابانی و صابری تولایی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی مطالعه تطبیقی راهکارهای کاهش تراکم کاری پلیس آگاهی»، اذعان داشته‌اند که هیچ نظام پلیسی و قضایی نمی‌تواند رسیدگی و اداره تمام رخداد‌های مجرمانه را وعده دهد. پلیس بیشتر کشورها برای تسکین بحران واکنش‌های مختلفی نشان داده‌اند. پژوهش راهکارهای مناسبی برای کاهش تراکم کاری در پلیس آگاهی ارائه داده است.

مؤذن‌زادگان، کوشکی، بارانی و یاراحمدی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «قضازدایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار؛ مطالعه تطبیقی نیوزیلند، کانادا و ایران»، بیان داشته‌اند: کشور نیوزیلند ضمن تدوین قانون کودکان، نوجوانان و خانواده ایشان از طریق پیش‌بینی ساختار جداگانه‌ای برای پلیس، به‌وسیله سامانه‌های هشداردهی و برگزاری

جلسه‌های گروهی و خانوادگی، به پلیس اطفال اختیار داده تا از ورود اطفال و نوجوانان به حوزه فرایند رسمی دادرسی جلوگیری کند. کانادا نیز با وضع قانون عدالت کیفری جوانان و با ایجاد ساختارهای جدید در سازمان پلیس به پلیس ویژه اطفال اختیار داده تا از ورود اطفال و نوجوانان به فرایند رسمی دادرسی جلوگیری کند. در قوانین ایران با اختیار قضازدایی توسط پلیس، مغفول مانده است.

فرانکلین ایپفانیو^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «صلاح‌دید پلیس و عدالت رویه‌ای»، بیان می‌نماید که اختیارات صلاح‌دیدی، یک ویژگی مهم و اجتناب‌ناپذیر پلیس است که به دلیل تأثیر قابل توجهی که تصمیمات پلیس می‌تواند بر زندگی شهروندان و اعتبار نهادهای پلیس داشته باشد، بحث‌های متعددی را در بین دانشگاہیان و دست‌اندرکاران این حوزه ایجاد می‌کند. این ویژگی بحث برانگیز قدرت پلیس چالش‌هایی را برای اعمال پلیس در جوامع دموکراتیک ایجاد می‌کند. این پژوهش استدلال می‌کند که عدالت رویه‌ای از اختیارات صلاح‌دیدی پلیس حمایت می‌کند. همچنین نمونه‌های واقعی از نحوه استفاده از اختیارات پلیس در نظارت بر جوامع مختلف برای مقابله یا تأیید اصول برابری و عدالت رویه‌ای را ارائه می‌کند.

بنابراین با توجه به منابع و سابقه علمی ارائه شده، می‌توان نوآوری پژوهش حاضر را در این موارد تبیین کرد؛ اول این که در مقایسه با سایر پژوهش‌ها، در تحقیق حاضر، ماهیت نهاد اخطار پلیسی با مذاقه در آراء و رویه قضایی مورد تبیین و ارزیابی قرار می‌گیرد، این در حالی است که در سایر پژوهش‌ها تنها به تبیین شرایط قانونی اعمال نهاد اخطار در بستر قوانین سایر کشورها پرداخته است و به ماهیت آن هیچ گونه توجهی نشده است. دوم، در جزئیات مختلف این پژوهش نوآوری‌های ویژه تری مد نظر است؛ در قالب گستره و توسعه اعمال نهاد اخطار پلیسی به سایر جرایم خرد و سبک و همچنین تفکیک شرایط اعمال آن نسبت به بزهکاران بزرگ‌سال و نوجوانان توجه شده است.

۱. Franklin Epiphano.

مبانی نظری

در این قسمت از پژوهش مبانی و در واقع دلایل توجیهی پیش‌بینی نهاد اخطار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ در زمره اختیارات پلیس مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رویکرد مصلحت‌گرایی

هر نظام حقوقی در کیفر‌گذاری و کیفر‌گزینی بر اساس مبانی فکری-فلسفی خود هدف خاصی را دنبال می‌کند. به‌طوری‌که اهداف مجازات، اشکال مجازات را نیز شکل می‌دهد (جاویدمهر و همکاران، ۱۴۰۰، ۳۹۲). در نظام حقوق جزای اسلامی، مصلحت‌اندیشی قضایی، تمایل برجسته‌ای است که به موجب آن دستگاه عدالت کیفری، با توجه به مصالح متنوع فردی و اجتماعی تا آنجا که ممکن است از راهکارهای انحراف قضایی بهره می‌گیرد. سیستم مصلحت‌گرایی که فراتر از «سیستم مناسبت داشتن امر تعقیب» است و همه مراحل فرایند رسیدگی‌های جزایی را شامل می‌شود، جزمیت حکومت مواد قانونی بر تصمیمات قضات را متزلزل ساخته، آنان را در انتخاب مناسب‌ترین عکس‌العمل مؤثر در وضع بزهکار، آزادی عمل بیشتری می‌بخشد. (صادقی، ۱۳۸۴، ۱۲۰).

قانون‌گذار متأثر از این سیاست جنایی اسلام، در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ برای نخستین بار به پلیس نقش فعالی در زمینه مصلحت‌گرایی اعطاء کرده که حکایت‌گر تمایل قانون‌گذار در امکان اجرای این رسالت به‌وسیله پلیس است. با توجه به این که نقش پلیس در کنترل جرم، ضرورتی است که قرن‌ها در تمامی فضاهاى اشغال شده توسط نوع بشر وجود داشته است. (اپیفانیو^۱، ۲۰۲۲، ۸۸). واگذاری اختیار اعمال نهاد اخطار به پلیس در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز بیانگر تمایل قانون‌گذار به پذیرش مصلحت‌سنجی نهاد پلیس در مراحل ابتدایی فرایند کیفری است که می‌تواند دارای آثار مثبتی از جمله جلوگیری از برچسب مجرمانه خوردن، اخطار به

۱. Epiphanio.

مرتکب جرم در مورد رفتار گذشته و هشدار به مراقبت از رفتارهای آینده وی باشد. در واقع، به منظور بهبود کارآیی تعقیب کیفری، به خصوص در راستای تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه، اصول متعددی از جمله اصل برائت، اصل استقلال، اصل احترام به کرامت انسانی، اصل حمایت از بزه‌دیده و اصل قانونی بودن و مقتضی بودن تعقیب در حقوق جزای بسیاری از کشورها رونق گرفته است (وگپر و باربارا، ۲۰۱۰، ۱۸۵). این اصول در حقوق ایران و انگلستان به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست جنایی در نظر گرفته شده است، اما نکته قابل توجه این است که در حقوق ایران اصل مقتضی بودن تعقیب بعد از ورود پرونده به چرخه عدالت کیفری (دادسرا و دادگاه) بررسی و اعمال می‌شود، اما در حقوق انگلستان مواردی وجود دارد که اصل مقتضی بودن ناظر به مرحله پلیسی است؛ از جمله این که قانون کودکان و افراد جوان مصوب ۱۹۶۹، اولین بار به اخطار پلیس در مورد جوانان و جبهه قانونی داد، بخش (۲) ۵ از همین قانون می‌گوید: اخطار پلیس می‌تواند شیوه مناسبی برای رسیدگی به برخی جرایم مربوط به افراد جوان باشد. (پورین کاپ، ۲۰۰۸، ۱۸). در واقع پلیس انگلستان با توجه به اختیارات و صلاحیتی که در فرایند کیفری برعهده دارد، می‌تواند در بسیاری از جرایم خرد به مصلحت خود اقدام و پرونده را با صدور اخطار کنار بگذارد. در نتیجه برخلاف سایر پرسنل سیستم عدالت کیفری، کارکنان پلیس این فرصت را دارند که به‌عنوان مأموران مستقل عمل کنند و اختیارات و قضاوت‌های اختیاری زیادی را اعمال کنند. پاسخ‌های خارج دادگاهی پلیس، مصداق بارزی از قضازدایی است؛ چرا که قضازدایی فرایندی را شامل می‌شود که یا مانع ورود پرونده به فرایند کیفری می‌شود یا از ادامه آن جلوگیری و یا این که آن را به بیرون از سیستم هدایت می‌کند. (آپارد، ۲۰۰۹)

یکی از آثار مصلحت‌سنجی پلیسی، تسریع در روند بازپروانه بزهکار است، به طوری که یکی از دلایل توجیهی برای قضازدایی پلیسی، اعطای اختیارات صلاحیدیدی به پلیس برای اعمال حل و فصل‌های خارج دادگاهی به منظور مقابله با نرخ بالای تکرار جرم است. (اسپوسور، ۲۰۱۴، ۳۵) نتایج نشان می‌دهد نوجوانانی که با اخطار پلیس قضازدایی شده

اند، دارای خطر تکرار جرم پایین تری در مقایسه با افراد ارجاع شده به دادگاه هستند. (وانگ، ۲۰۱۹، ۳۳۴). بنابراین می‌توان با توسعه قلمرو نهادهایی مانند اخطار در زمره اختیارات پلیس در مقابله با جرایم خرد، به گسترش رویکردهای اصلاح‌گرایانه پرداخت.

رویکرد مداخله حداقلی

این رویکرد متضمن توسل به حقوق کیفری به‌عنوان آخرین وسیله و در کمترین موارد ضروری است. رعایت الگوی کمترین مداخله، زمینه‌ساز توسل به سایر نهادهای اصلاحی - تربیتی و نیز دیگر ابزارهای اجتماعی‌ساز شهروندان را فراهم خواهد کرد؛ زیرا مهارت‌های اجتماعی‌سازی غیرکیفری، جایگزین مناسب‌تری برای ابزارهای کنترل کیفری به‌شمار می‌روند. بر این اساس، گسترش امکان اعمال صلاح‌دید پلیس در پرهیز از ارجاع برخی قضایای مربوط به بزهکاری به دادگاه، از جمله اقدام‌های مربوط به اجرای رویکرد کمترین مداخله به‌شمار می‌رود. التزام به اصل حداقل بودن حقوق کیفری نه تنها موجبات کاربرد بهینه از حقوق کیفری در جایگاه مناسب آن را فراهم می‌کند، بلکه در عین حال زمینه توجه سیاست‌جنایی به استفاده از سایر ابزارها و نهادهای حقوقی - اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد. حقوق کیفری بدون پایبندی به اصل حداقل بودن، به مثابه جنگ‌جویی است که همواره در حال شمشیر کشیدن است (غلامی، ۱۳۹۳، ۳۸). نظریه منع یا تحدید مداخله کیفری در خصوص توالی فاسد مداخله دستگاه قضایی می‌باشد (اسفندیاری و نورپور، ۱۳۹۳، ۱۱۹) بنابراین گسترش اختیارات پلیس در پرهیز از ارجاع برخی پرونده‌های کیفری به دادگاه با توسل به نهاد اخطار، از جمله اقدام‌های مربوط به اجرای الگوی کمترین مداخله است.

رویکرد تعامل‌گرایی

رویکرد تعامل‌گرایی، منفعت را در تعقیب نکردن، می‌داند؛ چون معتقد است متهمی که وارد فرآیند کیفری نشود، با اعطای فرصتی به وی (از جمله صدور اخطار)، بازگشت وی به جامعه فراهم می‌گردد (تقی‌پور و سلیمی، ۱۳۹۷). جرم‌شناسی تعامل‌گرا، برچسب مجرمانه زدن به شهروندان از طریق نظام عدالت کیفری را موجب اخذ و

درونی‌سازی هویت بزهکار می‌داند و در نتیجه باید تا آنجا که امکان‌پذیر است از شیوه‌های دور کننده افراد از عدالت کیفری بهره جست. (نیازپور، ۱۳۹۴، ۲۳۷). قانون‌گذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ برای کاهش آثار زیانبار استقرار افراد در گستره عدالت کیفری و پیشگیری از زدن برچسب مجرمانه به آنان برای رسیدگی به‌شماری از گونه‌های بزهکاری، راهبرد نویافته تحت عنوان اخطار را پیش‌بینی کرده است و اندیشه‌های جرم‌شناسانه را از مرحله دادسرا و دادگاه به مرحله پلیسی توسعه داده است.

رویکرد پیامدگرایی کیفری

پیامدگرایی یا نتیجه‌گرایی، این اصطلاح اشاره دارد به این نگاه که صحت یک عمل باید تنها با توجه به پیامدهای بالفعل یا بالقوه آن مورد قضاوت قرار گیرد (پسی^۱، ۱۹۸۶، ۴۷) در مباحث فلسفه کیفری، اصطلاح پیامدگرا برای اشاره به دسته‌ای از نظریات و مکاتب بکار می‌رود که هدف از کیفر را با نگاه به آینده ترسیم کرده و توسل به کیفر را تنها در صورتی موجه می‌دانند که بعد از اعمال، پیامدهای مثبتی برای فرد یا جامعه به همراه داشته باشد. دیدگاه‌ها و مکاتب تحقیقی و فایده اجتماعی در این دسته جای می‌گیرند. نهاد اخطار، بر پایه رویکرد آینده‌نگر حقوقی استوار است و پیامدگرایی کیفری به جای سزاکرایی محض، مبنای اصلی آن به حساب می‌آید. بنابراین، رویکرد سیاست جنایی اسلامی در بخش تعزیرات مبتنی بر فلسفه سزاکرایی نبوده و آینده‌نگری یا پیامدگرایی حاکم است. قاضی اسلامی مرتکب جرم را برای انتقام یا استحقاق مجازات نمی‌کند؛ بلکه مجازات را به گونه‌ای انتخاب می‌کند تا موجب اصلاح مرتکب جرم شود.

وعظ به عنوان یکی از پاسخ‌های تعزیری به معنای نصیحت کردن از جانب قاضی اسلامی بوده و هدف، انتقال این مطلب به مرتکب جرم است که رفتارش، شایسته نبوده و خسارتی فردی یا اجتماعی به بار آورده است. این نهاد شبیه نظریات مجازات

۱. pacey.

ارتباطی^۱ بوده و در پرتو پیامدگرایی کیفری قابل توجیه است. پیش‌بینی نهاد اخطار در زمره اختیارات پلیس در همان مراحل بدوی دادرسی کیفری نیز به دنبال این هدف است که متهم بدون وارد شدن به فرایند رسمی دادرسی کیفری به قبح عمل خود و جلوگیری از ارتکاب آن در آینده پی ببرد.

رویکرد رفاه‌گرایی کیفری^۲

رفاه‌گرایی کیفری بر ضرورت بازپروری بزهکاران و پیش از آن، اتخاذ رویکردهای حمایت‌گرایانه از گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر تأکید می‌کند (غلامی، ۱۳۹۰، ۱۰۴). این رویکرد که اولین بار توسط کوهن مطرح شد، بر سیاست‌های مختلفی مانند زندان‌زدایی، پرهیز از برخورد توسط نظام عدالت کیفری رسمی و استفاده از مسیرهای جایگزین به منظور پرهیز از فرایند انگ‌زنی، برجسب‌زنی مجرمانه بر بزهکاری نوجوانان تأکید می‌کند. در واقع یکی از آثار مثبت پذیرش نهاد اخطار در مرحله پلیسی، جلوگیری از برجسب مجرمانه خوردن است، چرا که نظریه برجسب‌زنی، عامل اصلی وقوع جرم را در عدم تسامح، به خصوص در قبال جرائم سبک می‌داند.

روش

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که در تهیه ادبیات پژوهش و منابع نظری از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها و مقالات معتبر علمی و بررسی‌های دقیق منابع مختلف و مرتبط با موضوع استفاده شده است. همچنین مطالعه رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها از طریق مراجعه به دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های مرکزی و پایگاه‌های علمی صورت گرفته و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به صورت فیش‌برداری بوده است و سپس مطالب آماده شده است.

۱. Communicative punishments.

۲. Penal welfarism.

یافته‌ها

قانون‌گذار با پیش‌بینی نهاد اخطار در مرحله پلیسی، گامی مثبتی در راستای توسعه اختیارات ناظر بر متوقف‌سازی پرونده‌ها در مراحل مقدماتی فرایند کیفری، توسط مقامات پلیسی برداشته است. با وجود این، اجرای صحیح این نهاد نوپا دارای ابهاماتی است که در این قسمت از پژوهش در صدد شناسایی این ابهامات و راه‌های برون رفت از آن هستیم؛ بنابراین با در نظر گرفتن مبانی ذکر شده، در سه بخش، یافته‌های پژوهش تحلیل و بررسی خواهند شد؛ به این ترتیب که در بخش اول به بررسی ماهیت نهاد اخطار پلیسی می‌پردازیم، در بخش دوم به بررسی شرایط اعمال نهاد اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان خواهیم پرداخت و در نهایت در بخش سوم به گونه‌های نهاد اخطار پلیسی می‌پردازیم.

ماهیت نهاد اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

یکی از تحولات اساسی در حقوق کیفری، نوع پاسخی است که دولت‌ها به جرم و مفسده می‌دهند. این تحولات، چه از طریق اصلاح قوانین و چه از طریق تأسیس نهادهای کیفری جدید، ناگزیر از تبعیت از اصول و فلسفه کیفر هستند و هرگونه قاعده‌گذاری بدون توجه به اهداف کیفر، سبب ضعف در تأثیر آن و تضییع حقوق افراد و جامعه خواهد شد (عباسی و همکاران، ۱۴۰۱، ۷۷). هدف اصلی و اولیۀ مجازات‌ها در سیاست کیفری اسلام عبارت از بازجامعه‌پذیری و اصلاح مجرمین و جلوگیری از تکرار جرم توسط آنها است (میرخلیلی، ۱۳۹۳، ۶۷۸). یکی از اهداف مجازات‌ها در حقوق انگلستان اصلاح و بازپروری بزهکار است. این هدف در قانون عدالت کیفری مصوب سال ۲۰۰۳ مورد توجه قرار گرفته است. این اهداف لزوماً با اجرای مجازات محقق نمی‌شود، حتی در خیلی از موارد امکان دارد که اجرای مجازات نتیجه عکس داشته باشد و نه تنها موجب تنبیه و اصلاح مجرم نشود؛ بلکه موجب شود مجرم مرتکب جرایم متعدد دیگری شود. پیش‌بینی مجازات‌های خاص، بدون توجه به ابتدایی‌ترین مرحله مواجهه بزهکار با سامانه دادگری جنایی (ضابطان دادگستری) اثربخشی چندانی نخواهد

داشت. (مؤذن‌زادگان و جوادی، ۱۳۹۴، ۵) بر اساس مبانی نظری ارائه شده می‌توان با توجه به ماهیت اقدامات و فعالیت‌های پلیس، ضمانت‌اجراه‌های گوناگونی برای بزهکار پیش‌بینی کرده، برای نیل به این هدف استفاده از سازوکارهای قضازدایی و تعقیب‌زدایی به‌منظور جلوگیری از ارتباط بزهکار با نظام عدالت کیفری می‌تواند بسیار مفید باشد. یکی از شیوه‌های قضازدایی، نهاد اخطار است. در این روش نیروهای پلیس می‌توانند فرد بزهکار را بدون ارجاع به دادسرا با اخطار پاسخ دهد. (مهرا، ۱۳۸۹، ۱۶۵). ایجاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان جهت رسیدگی به بزهکاری این گروه سنی و پرهیز از برخورد نوجوانان با نظام قضایی رسمی ضروری است. (الیاسی، ۱۳۸۶، ۱۵۴)

قانون‌گذار کشور ما در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، متأثر از مبانی پیش‌گفته و بکارگیری رویکردهای مداراگرایانه از راهبردهایی همچون اخطار پلیسی، برای کنارگذاری پرونده‌های خرد توسط مقامات پلیسی، در تلاش برای بکارگیری مناسب‌ترین واکنش با هدف پیشگیرانه در مراحل ابتدایی فرایند کیفری بوده است. با توجه به این که در سیستم حقوقی ایران تا قبل از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ اعمال نهاد اخطار توسط پلیس در مرحله تعقیب در قوانین مدون وجود نداشت. بنابراین، برای جلوگیری از بروز چالش‌ها و ابهامات این نهاد تازه تأسیس، باید ماهیت و هدف نوع اخطاری که قانون‌گذار در قانون پیش‌گفته بکار گرفته است، روشن شود.

اخطار در معنای لغوی به معنای نصیحت کردن و هشدار دادن است (مهرا و رودسرایبی، ۱۳۹۹، ۱۲۰). در همین معنا اخطار می‌تواند واجد خصوصیت‌های متفاوتی باشد؛ یا به نحو مطلق باشد؛ بدین معنا که پلیس نمی‌تواند شرطی در خصوص انجام وظیفه‌ای مشخص، مانند جبران خسارت، یا شرکت در فعالیت‌های حرفه‌ای و آموزشی و... به بزه‌دیده قرار دهد یا اینکه اخطار مقید به وجود شرایطی همانند موارد ذکر شده باشد. (اخطار ساده و مشروط) علاوه بر این در خصوص شیوه اجرای اخطار نیز می‌تواند

گونه‌های متفاوتی داشته باشد بدین صورت که اخطار یا به نحو شفاهی یا کلامی و بدون درج در سوابق کیفری فرد مرتکب باشد یا به نحو کتبی با درج در سوابق باشد. برای روشن شدن ماهیت و هدف اخطار در مرحله پلیسی، از آنجا که در نظام حقوقی ایران، قوانین مختلفی وجود دارد که در آنها اخطار به عنوان نوعی محکومیت، در پایان رسیدگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان با مذاقه و بررسی آنان به تبیین ماهیت و هدف اخطار پلیسی پرداخت؛ قانون‌گذار در چندین ماده از قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام از اخطار به عنوان مجازات در اولین مرحله از برخورد با متهم یاد کرده است.^۱ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب جرم نه تا پانزده سال تمام شمسی باشد حسب مورد اخطار و تذکر، یکی از تدابیر اصلاحی و تربیتی است که در نظر گرفته شده است. علاوه بر جرائم تعزیری، در جرایم مستوجب حد و قصاص، هرگاه نابالغ، مرتکب جرم شود در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، نیز اخطار و تذکر،

۱. ماده ۱۹ قانون مذکور مقرر داشته: «دارو باید طبق قیمت رسمی برای مصرف‌کننده، به متقاضی ارائه شود و قیمت هر قلم از داروهای ارائه شده در نسخه درج شود و نسخه نیز به مهر داروخانه مهور گردد و در مورد نسخ بیمه خدمات درمانی کپی نسخه (نسخه دوم) پس از درج قیمت مهر گردد. تخلف از این ماده جرم محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد:

الف- گرانفروشی:

مرتب اول - جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال.

مرتب دوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال و نصب پارچه به عنوان گرانفروشی.

مرتب سوم - جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال و قطع سهمیه دارویی به مدت یک ماه.

مرتب چهارم - تعطیل داروخانه تا مدت یک سال.

ب- عدم درج قیمت در نسخ بیماران و مهور نمودن آنها:

مرتب اول - تذکر کتبی.

مرتب دوم - اخطار کتبی.

مرتب سوم - جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال.

مرتب چهارم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال.»

به‌عنوان یکی از ضمانت اجراها در نظر گرفته شده است. با مداقه در صدر ماده مذکور، قانون‌گذار به‌جای استفاده از واژه مجازات بیان داشته: ... حسب مورد دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌نماید... و در این ماده قانون‌گذار، اخطار را نسبت به اطفال نوعی اقدام تأمینی و تربیتی دانسته است که هدف از آن اصلاح و درمان مجرم با اهداف پیشگیرانه است.

در برخی از قوانین خاص دیگر مانند ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۱ که اظهار داشته: تنیهای اداری به ترتیب عبارتند از: الف - اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدای. ب - توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدای... و ماده ۸ قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴ که بیان می‌دارد: انواع مجازات‌ها به ترتیب اهمیت عبارتند از: ۱. احضار و اخطار شفاهی، ۲. اخطار کتبی با درج در پرونده، ۳. توبیخ کتبی با درج در پرونده...».

در رویه قضایی نیز در برخی از آراء مشاهده می‌شود که دادگاه در خصوص محکوم، نهاد اخطار را اعمال می‌کند. به‌عنوان مثال، در یکی از شعبات دادگاه کیفری دو (ویژه اطفال و نوجوانان) شهرستان بیرجند، متهمی را که بابت رانندگی بدون پروانه، تحت تعقیب قرار گرفته بود و سن وی کمتر از ۱۵ سال شمسی بود، مستنداً به بند «ت» ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی به اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم محکوم نموده بود و در پایان رأی بیان داشته: متهم متعهد شد، مجدد مرتکب جرم نشود و در صورت تکرار جرم طبق قانون با او برخورد گردد. مادرش نیز متعهد شد در مواظبت از فرزندش سعی و تلاش بیشتری به‌عمل آورد.

در پرونده دیگری در همان شعبه، متهمانی بابت مشارکت در سرقت یک دستگاه موتورسیکلت تحت تعقیب قرار گرفته بود و دادگاه با این استدلال که نامبردگان طفل هستند و مبری از مسئولیت کیفری و با لحاظ نظریه مشاور دادگاه اطفال و نوجوانان،

نامبردگان را به اقدام تأمینی و تربیتی اخطار و تذکر با اخذ تعهد به عدم تکرار جرم محکوم کرده است.

با مذاقه در آراء ذکر شده نیز ملاحظه می‌شود که هدف و ماهیت اخطار در رویه قضایی نیز پیشگیری و اصلاح و تربیت مجرم است. در واقع قانون گذار با اخطار به مرتکب جرم در مورد رفتار گذشته و هشدار به مراقبت از رفتارهای آینده، به دنبال شرمسار نمودن بازپروراننده وی می‌باشد و فلسفه اخطار سزاگرایی نبوده و آینده‌نگری یا پیامدگرایی حاکم است. پلیس در مراحل مقدماتی مرتکب جرم را برای انتقام یا استحقاق مجازات نمی‌کند؛ بلکه مجازات را به گونه‌ای انتخاب می‌کند تا موجب اصلاح مرتکب جرم شود. هدف، انتقال این مطلب به مرتکب جرم است که رفتارش، شایسته نبوده و خسارتی فردی یا اجتماعی به بار آورده است.

با مذاقه در ماده ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ملاحظه می‌شود که قانون گذار صرفاً بیان داشته... با اخطار پلیس ... مواجه می‌گردد... و صراحتاً در خصوص ماهیت، نوع و اهداف اخطار سخنی نداشته است. در خصوص مفهوم نهاد اخطار در قانون مذکور، و توجهاً به تفسیر صورت گرفته در بالا در خصوص ماهیت اخطار در مرحله محکومیت باید گفت اخطار ناظر بر هشدار و واجد خصوصیت پیشگیرانه است، ولی توییح ناظر بر سرزنش و واجد خصوصیت سزاگرایی است. حال آیا اخطار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مفهوم پیشگیرانه دارد یا واکنش و مجازات؟ باید گفت با عنایت به این که فلسفه قانون مذکور حمایت و پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان است و اخطار فرع بر وقوع جرم است، می‌توان گفت واکنش است ولی با هدف پیشگیری و بازدارندگی.

در حقوق کیفری انگلستان، برخلاف حقوق کیفری ایران، پلیس بعد از وقوع جرم، اختیار صلاح‌دیدگی زیادی در شیوه رسیدگی به پرونده دارد. نهاد اخطار از جمله اختیاراتی است که در راستای حل و فصل برخی پرونده‌ها به پلیس اعطا شده است؛ در این کشور، واژه اخطار در دو معنی بکار می‌رود. در یک معنی اخطاری را شامل

می‌شود که بر اساس قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ در زمان دستگیری و یا زمانی که دلایلی مبنی بر اینکه فردی مرتکب جرم شده توسط مأموران پلیس داده می‌شود. اما در معنی دیگر، اخطار در مورد آزادی یک مظنون بدون اینکه تصمیمی اتخاذ شده باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این معنا که به مظنون اخطار می‌شود در صورتی که وی دوباره به خاطر هر جرمی تحت تعقیب قرار گیرد، شرایط مربوط به اتهام اولیه نیز در تعقیب جرم دوم مورد توجه قرار خواهد گرفت (مهرا، ۱۳۸۷، ۱۵۸)

اخطار پلیس معمولاً شامل این نکات است: شما مجبور نیستید مطلبی بگویید مگر اینکه مایل به انجام این کار باشید، ولی هر چیزی که بگویید به‌عنوان مدرک محسوب خواهد شد. (مهرا، ۱۳۹۸، ۱۸۲). ملاحظه می‌شود در حقوق کیفری انگلستان اخطار در پاره‌ای از موارد در معنای واکنش و مجازات است و در پاره‌ای از موارد جنبه پیشگیرانه دارد. در این کشور یکی از شرایط آغاز تعقیب کیفری، بعد از کفایت ادله، توجه به منفعت عمومی تعقیب است. بر همین اساس در پرونده‌های مهم و جرایم ارتكابی شدید، تعقیب معمولاً صورت می‌گیرد مگر اینکه گزینه‌های مربوط به منفعت عمومی علیه تعقیب باشد.

شرایط اعمال نهاد اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

با عنایت به نو ظهور بودن نهاد اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، بررسی و شناسایی شرایط اعمال این نهاد در مرحله پلیسی، می‌تواند کمک شایانی در جلوگیری از موانع و چالش‌های بکارگیری آن در مرحله اجرایی داشته باشد. در این قسمت از پژوهش نگارنده جهت سهولت در مطالعه این شرایط را در سه قسمت تبیین کرده است؛ در قسمت اول، شروط راجع به طبیعت مجازات، در قسمت دوم، شروط راجع به جرم ارتكابی و در قسمت سوم، شروط راجع به سوابق و گذشته بزهکار و در نهایت در قسمت چهارم، شروط راجع به آینده بزهکار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شروط راجع به طبیعت مجازات

به موجب ماده ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، مابه ازای جرایم تعزیری مصداق دارد. در حدود، نهاد اخطار پلیسی جایگاهی ندارد و در مجموع حدود احکام خاص مربوط به خود را داراست و مقررات مربوط به تعزیرات در خصوص حدود، قابل تسری نیست. قصاص و دیات نیز حق شخصی هستند و قابلیت اعمال اخطار را ندارند. بنابراین در محدوده طبیعت مجازات‌ها، نهاد اخطار در جرایم قابل تعزیر، اعمال می‌شود. در حقوق کیفری انگلستان، جرایم به سه دسته متفاوت تقسیم می‌شوند. دسته اول، شامل جرایمی است که فقط بر مبنای کیفرخواست صادره توسط اداره تعقیب سلطنتی یا همان دادسرا و در دادگاه‌های سلطنتی مورد رسیدگی قرار گرفته و طبیعی است که مهم‌ترین جرایم همانند قتل عمدی را در بر می‌گیرند. دسته دوم از جرایم که کم‌اهمیت‌ترین جرایم محسوب و جرایم اختصاری نام دارند، در دادگاه‌های بخش و بدون صدور کیفرخواست و توسط قاضی واحد رسیدگی می‌شوند. دسته سوم از جرایم، که به آنها جرایم بینابین نیز می‌گویند، ممکن است به هر دو شکل اختصاری و یا با کیفرخواست مورد رسیدگی قرار گیرند. رسیدگی به این جرایم بسته به میزان اهمیت جرم، نظر قاضی دادگاه بخش و نظر متهم در یکی از دادگاه‌های بخش و یا دادگاه‌های سلطنتی صورت می‌گیرد و پلیس تنها در جرایم اختصاری یا دووجهی حق صدور اخطار را دارد.

شروط راجع به جرم ارتكابی

در خصوص قلمرو اعمال جایگزین‌های تعقیب در کشورهای مختلف، ضوابط و معیارهای متعددی در نظر گرفته می‌شود، یکی از این معیارها، معیار مبتنی بر جرم است، که در برخی از کشورها اجرای قاعده مناسبت داشتن تعقیب کیفری یا اعمال جایگزین‌های تعقیب کیفری را محدود به جرایمی کرده‌اند که میزان مشخصی از کیفر برای آن پیش‌بینی شده است؛ در این صورت زمینه اعمال جایگزین‌های تعقیب کیفری، تنها برای مجرمیت‌های کم‌اهمیتی است که به‌منظور رهایی نظام عدالت کیفری از تراکم پرونده‌های وارده، بدان پناه می‌برند. در دادرسی کیفری ایران، نهاد اخطار تا قبل

از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، به‌عنوان نوعی «محکومیت در پایان رسیدگی توسط قضات محاکم مورد استفاده قرار می‌گرفت و در مرحله تعقیب این نهاد وجود نداشت، با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، نهاد اخطار در مرحله تعقیب و توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز پیش‌بینی شده است، در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نهاد اخطار به‌عنوان یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی برای اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری، حدود و قصاص پذیرفته شده است، اما در مرحله تعقیب، قانون‌گذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نهاد اخطار را به‌عنوان یک پاسخ خارج دادگاهی برای یک رفتار مجرمانه مستوجب تعزیر در نظر گرفته است. در ماده ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ شش رفتار مجرمانه را جرم‌انگاری شده، که سه رفتار آن مقید به وقوع نتیجه هستند و سه رفتار آن جرایم مطلق هستند که نیازمند تحقق نتیجه‌ای خاص نیستند؛ بدین ترتیب که، در قسمت اول ماده مذکور مقرر داشته: «هر کس با تهدید، ترغیب یا تشویق موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی شود یا اطفال یا نوجوانان را بدین منظور فریب دهد و یا موجبات آن را تسهیل یا فراهم کند، در صورت فرار یا ترک تحصیل، حسب مورد به یک یا چند مورد از مجازات‌های در جه شش قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود...» ملاحظه می‌شود رفتارهای مجرمانه مصرح در قسمت اول ماده عبارتند از:

- تهدید، ترغیب، تشویق، فریب، تسهیل یا فراهم آوردن موجبات که منجر به فرار طفل یا نوجوان از خانه گردد.
- تهدید، ترغیب، تشویق، فریب، تسهیل یا فراهم آوردن موجبات که منجر به فرار طفل یا نوجوان از مدرسه گردد.
- تهدید، ترغیب، تشویق، فریب، تسهیل یا فراهم آوردن موجبات که منجر به ترک تحصیل طفل یا نوجوان گردد.

و در قسمت دوم ماده مذکور مقرر داشته: ... و در صورت عدم تحقق فرار یا ترک تحصیل، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجه و در صورت تکرار به مجازات فوق محکوم می‌شود.

ملاحظه می‌شود رفتارهای مجرمانه مصرح در قسمت دوم ماده عبارتنداز: عدم تحقق فرار از خانه، مدرسه و ترک تحصیل، متعاقب تهدید، ترغیب، تشویق، فریب، تسهیل یا فراهم آوردن موجبات آن. صرف نظر از ایرادات ماهوی و شکلی وارد بر قانون‌گذار، ملاحظه می‌شود که مقنن در قسمت دوم ماده تنها در صورتی که رفتارهای بالا برای بار اول رخ دهد به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان اختیار اخطار را داده است و در صورت تکرار این دسته از رفتارهای مجرمانه مجازات تعزیری درجه شش را مشخص کرده است. این درحالی است که ظرفیت‌های قانونی بیشتری برای پیش‌بینی این اختیار قضازدایانه در مرحله تعقیب در جرایم ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان فراهم است. به‌ویژه این که در دادرسی کیفری اسلامی، وعظ به‌عنوان یکی از انواع واکنش‌های تعزیری بوده و قاضی می‌تواند از طریق بکارگیری آن، مجازات‌های بدنی یا سالب آزادی را کنار بگذارد. بنابراین با توجه به این که نهاد اخطار به‌منظور برخورد سریع و آسان با مجرمین کم‌خطر تأسیس شده است تا موجب دور شدن چنین بزهکارانی از دادگاه‌های کیفری بشود و بدین ترتیب میزان و احتمال ورود آنها به دنیای بزهکاری کاسته شود و در بیشتر موارد اطفال و نوجوانان به‌صورت اتفاقی مرتکب جرم می‌شوند؛ به دیگر سخن به علت تکامل نشدن رشد فکری و روحی طفل و نیز ناآشنایی آنان با قواعد و هنجارهای اجتماعی و غلبه احساسات و هیجانات و نیز بدون توجه به پیامدهای اعمال ارتكابی و بدون سبق تصمیم مرتکب جرم می‌شوند. (کوشکی، ۱۳۹۴، ۶۱) حال آن‌که بزهکاران حرفه‌ای با برنامه‌ریزی و سنجیدن جوانب مختلف و با عقلانیت و با بهره‌گیری از تجربه به سمت دنیای بزهکاری می‌آیند. اتفاقی بودن بزهکاری اطفال پیامدهایی از حیث فرآیند دادرسی کیفری به همراه دارد. که باید تلاش شود از طریق پیش‌بینی سازوکارهایی در درون نهاد پلیس از ورود شیوه‌ها و تشکیلات رسمی

خودداری کرد. حال که قانون‌گذار اختیار صدور اخطار را برای پلیس ویژه اطفال و نوجوانان پیش‌بینی کرده است، پلیس باید بتواند در سایر جرایم تعزیری سبک‌تر مانند تعزیرات درجه ۶ تا ۸ نیز از نهاد اخطار استفاده کند.

در حقوق کیفری انگلستان در مراحل ابتدایی قبول اخطار، محدودیتی برای صدور اخطار از نظر نوع جرم وجود نداشته است، اما کم‌کم ایرادات ناشی از این روش وزارت کشور را بر آن داشت، که در آخرین بخشنامه‌ها حتی صدور اخطار ساده برای جرایمی که فقط با کیفر خواست قابل تعقیب هستند، ممنوع اعلام کند و دستورالعمل ۱۶/۲۰۰۸ اعلام می‌دارد: اخطار ساده باید در مورد جرایم کم‌اهمیت بکار رود، با جمع دستورالعمل و اصلاح قانون، پلیس مکلف شد تا از هشدار ساده تنها برای جرایم خرد و دسته پایین و برای کسانی که مرتکب تکرار جرم نشده‌اند، استفاده کند. همچنین به پلیس تأکید شد که در زمان استفاده از این نهاد به میزان اهمیت جرم، دقت کافی نماید. نکته مهم آن است که براساس بخش ۱۷(۲) قانون دادگاه‌ها و عدالت کیفری پلیس نمی‌تواند در جرایم قابل تعقیب با کیفرخواست بدون موافقت دادستان سلطنتی از هشدار ساده استفاده کند. برای استفاده از این نوع هشدار در این دست جرایم، علاوه بر موافقت دادستان سلطنتی لازم است پلیس ارشد به این نتیجه برسد دلایل کاملاً معقول و منطقی وجود دارد که با وجود یک‌سری شرایط استثنایی تعقیب مرتکب جرم به مصلحت نیست و لازم است از هشدار ساده استفاده شود. به همین شکل در مورد جرایم قابل تعقیب به هر دو روش اختصاری و همراه با کیفرخواست امکان استفاده از این نهاد جز با بررسی قبلی یک پلیس ارشد وجود ندارد و البته لازم است پلیس به این نتیجه برسد که یک‌سری شرایط استثنایی وجود دارد که تعقیب متهم به مصلحت نیست و واجب است از هشدار ساده استفاده شود. بخش ۱۷(۴) از همان قانون استفاده از هشدار ساده را برای تکرارکنندگان جرم ممنوع کرده است، به این شکل که اگر مرتکب جرم ظرف دو سال گذشته از تاریخ ارتکاب جرم جدید مرتکب جرمی از نوع جرم فعلی شده باشد، امکان استفاده از هشدار ساده نیست. نکته قابل بیان دیگر این که مراجع

برخوردار از اختیار اعمال متناسب بودن تعقیب در حقوق انگلستان، دادستان و پلیس هستند. (جمشیدی و نوریان، ۱۳۹۲، ۱۴۷) پلیس در این کشور می‌تواند جرم را نادیده انگارد و نسبت به مظنون احتیاط پیشه کند، یا آن که وی را متهم شناخته و تصمیم به تعقیب وی بگیرد. اما مراجع برخوردار از این اختیار در حقوق ایران منحصر به مقامات قضایی، به خصوص دادستان است و پلیس از نظر قانونی از اختیار اعمال متناسب بودن تعقیب برخوردار نیست. (اسپیبر^۱، ۲۰۱۰، ۴۲۵)

شروط راجع به گذشته شخص بزهکار

با مذاقه در قوانین کیفری ایران، از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری، ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار در اعمال و بکارگیری اکثر نهادهای ارفاقی در مراحل تعقیب و یا اجرای مجازات‌ها، از جمله نهادهای تعویق صدور حکم، تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و... شروطی را مقرر داشته است که متوجه گذشته و سوابق شخص بزهکار است، برخی از این شروط عبارت است از: نداشتن محکومیت مؤثر کیفری، وضع اجتماعی و سوابق زندگی بزهکار، اوضاع و احوال ارتکاب جرم، نداشتن تعدد جرم و... اما در مرحله پلیسی و در اعمال نهاد اخطار که تدبیری قضازدایانه و ارفاقی است، قانون‌گذار هیچ‌گونه توجهی به سوابق و گذشته مرتکب جرم نداشته است و پلیس به‌طور مطلق و بدون توجه به سوابق و گذشته مرتکبان به اعمال نهاد اخطار می‌پردازد. در حقوق کیفری انگلستان نیز قانون‌گذار اعمال نهاد اخطار توسط پلیس را مشروط به توجه به گذشته و سوابق فرد کرده است و شرایط اعمال نهاد اخطار توسط پلیس عبارت‌انداز: ۱- وجود ادله کافی برای تعقیب؛ ۲- قبول مجرمیت توسط متهم؛ ۳- رضایت مرتکب؛ ۴- به منفعت عامه بودن رسیدگی به پرونده با اخطار.

بی‌توجه به گذشته و سوابق شخص بزهکار از این جهت دارای اهمیت است که اعمال سازوکارهای تعقیب‌زدایانه پلیسی را به سهولت بتوان اجرا کرد و از این طریق از موانع

۱. Spapper.

۲. به این نکته توجه شود که در اخطار جوانان، رضایت مرتکب شرط نیست.

و چالش‌های اعمال این نهادها کاسته و حجم زیادی از پرونده‌ها در مرحله پلیسی حل و فصل شوند.

شروط راجع به آینده شخص بزهکار

فلسفه اصلی نهاد اخطار پلیسی، اصلاح و بازپروری بزهکار خارج از فرایند رسمی دادرسی کیفری است. در واقع توسعه اختیارات پاسخ‌دهی پلیسی از طریق اعمال نهاد اخطار یک برنامه‌ریزی برای اصلاح بزهکار است. اما موفقیت این تصمیم بسته به میزان تعامل و خواست بزهکار دارد. در همین راستا در حقوق کیفری انگلستان در اخطار به بزرگسالان، موافقت و رضایت مرتکب شرط اعمال نهاد اخطار پلیسی است که در قوانین ایران به این امر تصریح نشده است.

قانون‌گذار ایران در ماده ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر داشته: ... در صورت عدم تحقق فرار یا ترک تحصیل، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجه و در صورت تکرار به مجازات فوق محکوم می‌شود. که قانون‌گذار به نوعی درصدد هشدار به بزهکار برای جلوگیری از تکرار جرم در آینده است.

علاوه بر این، در حقوق کیفری انگلستان که به پیش‌بینی نهاد اخطار مشروط پرداخته است، در این نوع اخطار به مرتکب هشدار داده می‌شود که رعایت نکردن شرایط می‌تواند منتهی به شروع به تعقیب شود و سند کتبی حاوی جزئیات مربوط به جرم و اخطار مشروط توسط مرتکب امضا می‌شود.

شروط راجع به سن شخص بزهکار

افتراقی شدن نظام دادرسی هم‌چنان که از نام آن بر می‌آید ناظر بر تشدید، تفرق و جزیره‌ای شدن آیین دادرسی است. در رابطه با اطفال و نوجوانان افتراقی شدن نظام دادرسی، به اعتبار شخصیت مرتکب است که منجر به پیش‌بینی آیین رسیدگی متفاوتی شده است. ریشه این تفاوت نخست در تفاوت اطفال با بزرگسالان، سپس در تفاوت بزهکاری آنان و در نهایت در مختلف بودن پاسخ‌های پیش‌بینی شده جستجو کرد.

یکی از ایرادات مهم دیگری که در خصوص نهاد اخطار پلیسی بر قانون گذار وارد است این است که، قانون گذار در اعمال نهاد اخطار، بین بزهکاران بزرگسال و اطفال و نوجوانان تفکیکی قائل نشده است و به طور مطلق و برای همگی یک نوع اخطار را پیش بینی کرده است؛ در این خصوص صدر ماده ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرر داشته: هر کس با تهدید، ترغیب یا تشویق موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی شود...، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجه ...». همان طور که ملاحظه می شود، قانون گذار با بکارگیری واژه هر کس مخاطب اخطار را تمامی اشخاص فارق از سن آنان می داند و تفکیکی بین بزهکاران بزرگسال و کودکان و نوجوانان به لحاظ نوع اخطار قائل نشده است. این در حالی است که قانون گذار باید در اعمال نهاد اخطار به سن بزهکار توجه می کرد. گویا قانون گذار تنها اخطار ساده و شفاهی را پذیرفته است؛ این در حالی است که قانون گذار می توانست با در نظر گرفتن شخصیت مرتکب و سایر اوضاع و احوال حاکم، به توسعه گونه های اخطار و در عین حال توسعه قلمرو جرایم تحت شمول آن اقدام کند. با توجه به این که در حقوق کیفری انگلستان بر خلاف ایران به تقسیم بندی نهاد اخطار و شرایط آن در مقابل بزهکاران بزرگسال و اطفال و نوجوانان پرداخته است، در بخش بعدی مقاله به بررسی و تبیین گونه های نهاد اخطار می پردازیم.

گونه های نهاد اخطار پلیسی

در نظام حقوقی انگلستان، در اعمال نهاد اخطار علاوه بر این که بین بزرگسالان و نوجوانان تفکیک قائل شده است، اخطارها به دو دسته ساده و مشروط تقسیم شده اند که در ذیل به بررسی آنها می پردازیم:

اخطار ساده^۱

این اخطار، یک هشدار رسمی است که توسط پلیس در خصوص مرتکبان بزرگسالان در جرایم کم اهمیت صادر می شود و حکم محکومیت محسوب نمی شود؛ اما بخشی از

۱. Simple cautions.

سابقه کیفری فرد است که می‌تواند در رسیدگی به جرایم ارتكابی بعدی وی به آن استناد شود. اخطارها برای همه جرایم، شش سال پس از صدور در سوابق کیفری از بین می‌رود. هیچ فرایندی برای تجدیدنظر اخطار وجود ندارد، اما اگر دادگاه تشخیص دهد که اخطارها مطابق با دستورالعمل یا قانون مربوط صادر نشده است می‌تواند آن را تحت بررسی قضایی قرار دهد و آنها می‌توانند اخطار را لغو کنند. (براون^۱، ۲۰۲۲، ۲۵) تا سال ۲۰۱۵، مبنای قانونی برای اخطار ساده وجود نداشت و پلیس حتی در جرایم شدید نیز از آن استفاده می‌کرد. اما قانون دادگاه‌ها و عدالت کیفری ۲۰۱۵، اعمال آن در جرایم قابل کیفر خواست^۲ را توسط پلیس منع و به دادستان واگذار کرده است. (مهر و رودسرابی، ۱۳۹۹، ۱۲۱). برای استفاده از این نوع هشدار در این دست جرایم، علاوه بر موافقت دادستان سلطنتی لازم است پلیس ارشد به این نتیجه برسد دلایل کاملاً معقول و منطقی وجود دارد که با وجود یک سری شرایط استثنایی تعقیب مرتکب جرم به مصلحت نیست و لازم است از هشدار ساده استفاده شود.

اخطار مشروط^۳

قسمت ۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ (با اصلاحیه) به افسران پلیس (و سایر افراد مجاز) قدرت صدور اخطار مشروط به بزرگ‌سالان را می‌دهد. اخطار مشروط الزاماتی دارد که در قالب شروطی به آن ضمیمه می‌شود و مرتکب باید آنها را رعایت کند. اعمال اخطار مشروط باعث تعلیق رسیدگی کیفری می‌شود (شکرچی‌زاده، ۱۳۹۴، ۱۴۷) کسانی که نتوانند شرایط خود را رعایت کنند، می‌توانند دستگیر شوند و ممکن است به دلیل جرمی که اخطار دریافت کرده‌اند، تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. اخطارهای مشروط برای ارتقا توان بخشی مجرمان و جبران خسارت قربانیان ارائه شد.

در ابتدا، پلیس (و سایر افرادی که مجاز به صدور آنها بودند) توصیه می‌شد قبل از تصمیم‌گیری در مورد اخطار مشروط با قربانی مشورت کنند. اخطارهای مشروط

۲. Brown .

۳. Indictable offences.

۱. Conditional cautions.

می‌تواند مجرمان را به انجام هر کاری که بازتوانی آنها را تسهیل می‌کند یا اطمینان از جبران خسارت برای جرمشان است، انجام دهد. شرایط باید همیشه مناسب، متناسب و قابل دستیابی باشد، از قربانی خود عذرخواهی کرده و یا به نوعی در خدمات اجتماعی شرکت کند.

به موجب قانون معاضدت حقوقی ۲۰۱۲، اخطار مشروط برای افراد ۱۰ تا ۱۷ سال نیز قابل استفاده است. همانند سایر اخطارها، پلیس فقط می‌تواند در جرایم اختصاری و دو وجهی به این اخطار حکم دهد. ولی برای افراد ۱۶ سال و کمتر، تفهیم آثار اخطار و عدم رعایت شروط باید در حضور فرد بزرگسال انجام شود (مهرا و رودسرابی، ۱۳۹۹، ۱۲۲).

اخطار نوجوانان^۱

برای اخطار کودکان (بین ۱۰ تا ۱۷ سال) سیستم جداگانه‌ای وجود دارد. بخش‌های ZA۶۶ تا G۶۶ قانون جرم و اختلال در سال ۱۹۹۸ (با اصلاحیه) اساس قانونی را برای سیستم اخطار جوانان فراهم می‌کند. دو نوع اخطار وجود دارد که می‌تواند به کودکان داده شود: اخطار ساده جوانان و اخطار مشروط جوانان. اگرچه به ترتیب با هشدارهای ساده و مشروط قابل مقایسه هستند، اما تفاوت‌های زیادی بین اخطار بزرگسالان و جوانان وجود دارد. فرآیند اخطار کودکان در درجه اول بر جلوگیری از جرم مجدد متمرکز است. کودکانی که اخطار می‌شوند به تیم‌های متخلف جوانان معرفی می‌شوند که با آنها کار می‌کنند تا رفتارهای مجرمانه خود را برطرف کنند. در قانون کودکان و افراد جوان مصوب ۱۹۶۹، اولین بار به اخطار پلیس در مورد جوانان وجهه قانونی داد، بخش (۲) ۵ از همین قانون می‌گوید اخطار از طرق پلیس می‌تواند شیوه مناسبی برای رسیدگی به برخی جرایم مربوط به افراد جوان باشد. البته با تصویب قانون جرم و بی‌نظمی در سال ۱۹۹۸ هشدار نهایی و توییح در مورد کودکان معارض قانون، جایگزین اخطار ساده شد و بعد از این قانون اخطار ساده فقط در مورد مرتکبین بزرگسال اعمال می‌شود. (میری، ۱۳۹۰، ۱۸۹).

بحث و نتیجه‌گیری

در حقوق ایران، اختیار تعقیب‌زدایی پرونده‌های جرایم خرد، مربوط به مقامات قضایی چه در دادسرا و چه در دادگاه و چه در مرحله اجرای احکام است و مقامات پلیسی، در این باره اختیاری ندارند. در ایران، پلیس در مورد عقب‌نشینی و پیگیری نکردن جرایم، دارای اختیارات خاصی نیست و طبق قانون اساسی و قوانین عادی، وظیفه کشف و انجام تحقیقات بدون استثناء بر عهده پلیس قرار داده شده است. در حال حاضر، سیاست قضازدایی بدون توجه به لزوم «پلیسی‌زدایی» یا «قضازدایی پلیسی» در دستور کار قانون‌گذار ایران قرار گرفته است. بیشتر نظام‌های عدالت کیفری، سیاست قضازدایی و خروج پرونده از روند رسیدگی را در مرحله پلیسی را نیز پذیرفته‌اند. این سیاست به‌ویژه در جرایم خرد و در جرایم اطفال و نوجوانان با جدیت بیشتری پیگیری می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، پلیس بیشتر کشورها در جرایم خرد از اختیار خروج پرونده از فرآیند یا مسدود کردن آن در مراحل مقدماتی برخوردار است. در حقوق ایران نیز می‌توان با مطالعه بیشتر، راهبردهای شبیه سیاست قضازدایی را بکار گرفت که در مراحل دادسرا و دادگاه در مورد جرایم خرد اعمال می‌شود و پلیس نیز واجد این اختیارات متوقف‌سازی پرونده شود.

قانون‌گذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ متأثر از آموزه‌های فقهی و اندیشه‌های جرم‌شناسی، با پیش‌بینی نهاد «اخطار» برای اولین بار گامی در جهت توسعه اختیارات مبتنی بر تعقیب‌زدایی توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان از مرحله دادگاه و دادسرا به مرحله پلیسی برداشته است. هر چند پیش‌بینی این نهاد می‌تواند دارای آثار مثبتی در کاهش ورود برخی از مجرمان به فرایند رسمی نظام عدالت کیفری شود، اما ابهامات و ایرادتی از جمله تبیین نشدن ماهیت اخطار و گونه‌ها و شرایط آن، محدودیت قلمرو اعمال آن به دسته خاصی از جرایم، تفکیک نشدن شرایط اعمال نهاد اخطار بین بزرگ‌سالان با اطفال و نوجوانان سبب شده تا هم‌چنان قضازدایی پلیسی به نحو کامل اعمال نشود، این در حالی است که مطالعه تطبیقی در کشورهای مختلف از

جمله کشور انگلستان نشان می‌دهد در این کشور در حوزه عملکرد پلیس اطفال و نوجوانان، اختیارات زیادی در باب تعقیب‌زدایی در قبال اطفال و نوجوانان اعطاء شده است، این کشور ضمن تبیین ماهیت اخطار و تقسیم‌بندی آن به اخطار ساده و مشروط و تبیین شرایط اعمال نهاد اخطار، به تفکیک گونه‌های آن بین بزرگسالان و اطفال و نوجوانان پرداخته است و قلمرو اعمال نهاد اخطار در این کشور بجز جرایم قابل کیفر خواست، محدودیتی نداشته است.

پیشنادهای کاربردی

از آنجایی که برابر تجربه کشورهای موفق، بکارگیری تدابیر تعقیب‌زدایانه در مرحله پلیسی، نقش مؤثرتری در پرهیز از ورود بزهکار به فرایند دادرسی کیفری را داشته است، بنابراین در این خصوص پیشنهادهای به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. تفکیک شرایط اعمال نهاد اخطار پلیسی بین بزرگسالان و اطفال و نوجوانان.
۲. توسعه قلمرو اعمال اختیار اعمال اخطار توسط پلیس به سایر جرایم تعزیری در مرحله تعقیب.
۳. الگوبرداری از قوانین و مقررات خاص پلیس سایر کشورهای پیشرفته و موفق در زمینه تعقیب‌زدایی.
۴. تبیین ماهیت و گونه‌های اخطار با در نظر گرفتن گروه سنی اطفال و نوجوانان با بزرگسالان.
۵. پیش‌بینی نهاد اخطار پلیسی، در قوانین عام از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری بجای تدوین آن در قوانین خاص.
۶. تصویب لایحه پلیس قضایی و پیش‌بینی تدابیر پلیسی‌زدایی همانند نهاد اخطار برای پلیس.

سپاسگزاری

پژوهش‌گران، از عزیزانی که در جمع‌آوری و نگارش این پژوهش همکاری و راهنمایی دلسوزانه داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

۱. اسفندیاری، محمد صالح؛ نورپور، محسن. (۱۳۹۶). پیامدها و چالش‌های مداراگرایی کیفری در جرایم خرد، نشریه کارآگاه، ۹(۳۹)، ۵۶-۷۶. <http://det.jrl.police.ir>
۲. اسفندیاری، محمد صالح؛ نورپور، محسن. (۱۳۹۳). تحولات نهاد پلیس در بستر یافته‌های جرم‌شناسی، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، پیاپی ۲۰، ۱۱۳-۱۳۵. <http://interpol.jrl.police.ir>
۳. الیاسی، راحله. (۱۳۸۶). بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس، مجله دانش انتظامی، ۹(۴)، ۱۳۴-۱۶۵. <https://www.sid.ir>
۴. بیابانی، غلامحسین؛ صابری تولایی، علی. (۱۳۹۵). مروری بر مطالعه تطبیقی راهکارهای کاهش عقب ماندگی پلیس تحقیقات جنایی، مجله کارگاه، ۳(۹)، ۴۱-۳۷. <http://det.jrl.police.ir>
۵. تقی‌پور، علیرضا؛ سلیمی، واحد. (۱۳۹۷). تأثیر اندیشه‌های جرم‌شناسی بر کاهش موارد تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۹(۱)، ۶۲-۸۸. <https://sid.ir/paper/۰۸۸۸۸۸۰/fa>
۶. جعفریان، احمد. (۱۳۹۵). مقایسه اختیارات دادستان در حقوق ایران و انگلیس و فرانسه، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی تاکستان، ۲(۱)، ۱۷-۲۲. www.uctjournaps.com
۷. جاویدمهر، مسیب؛ قاسمی، مسعود؛ وروایی، اکبر. (۱۴۰۰). کیفرگذاری مبتنی بر مصلحت در مجازات‌های تعزیری، فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، ۳(۱۵)، ۴۰۸-۳۹۲. <http://jou.spsiran.ir>
۸. جمشیدی، علیرضا؛ نوریان، علیرضا. (۱۳۹۲). متناسب بودن تعقیب کیفری: مفهوم، مبانی و جلوه‌ها در حقوق ایران و انگلستان، پژوهش حقوق کیفری، ۲(۳)، ۱۶۱-۱۴۳. <https://jclr.atu.ac.ir>
۹. شاکری، ابوالحسن؛ قاسمی، مسعود. (۱۳۹۵). پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان، فصلنامه دانش انتظامی، ۱(۷۰)، ۸۴-۱۰۲. <http://pok.jrl.police.ir>

۱۰. شکرچی زاده، محسن. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری انگلستان (قاعده اقتضای تعقیب)، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

۱۱. صادقی، محمد هادی. (۱۳۸۴). تراجم مصلحت گرایی و حقوق بزه دیده در حقوق جزای اسلامی، نشریه مدرس علوم انسانی، ۳(۴۰)، ۱۱۹-۱۴۴.

<https://www.sid.ir>

۱۲. غلامی، حسین (۱۳۹۳)، اصل حداقل بودن جزا، حسین غلامی با همکاری دیگران، چاپ نخست، بنیاد حقوقی میزان.

۱۳. غلامی، حسین (۱۳۹۰). عدالت ترمیمی، تهران: نشر سمت.

۱۴. عباسی، مراد؛ صادقی، محمد هادی؛ فروغی، فضل اله؛ ساداتی، سید محمد مهدی. (۱۴۰۱). تأثیر پذیری قواعد تعدد جرم از اهداف تعزیر، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۰(۳۸)، ۷۵-۱۱۰.

<https://jclr.atu.ac.ir>

۱۵. کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۴). پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران (ضرورت‌ها و کارکردها)، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

۱۶. مؤذن زادگان، حسن. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات ظابطان دادگستری در قوانین دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸ و ۹۲، دایرة المعارف علوم جنایی، کتاب سوم، تهران: نشر میزان.

۱۷. مؤذن زادگان، حسن؛ کوشکی، غلامحسین؛ بارانی، محمد؛ یار احمدی، حسین. (۱۳۹۵). قضازدایی پلیسی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار، مطالعه تطبیقی نیوزلند، کانادا و ایران؛ فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، ۳(۷۲)، ۴۲-۶۴.

<http://pok.jrl.police.ir>

۱۸. مؤذن زادگان، حسنعلی؛ جوادی، حسین. (۱۳۹۴). الزامات و سازوکارهای پلیس اطفال و نوجوانان در ایران (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا)، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۵(۱)، ۴۹-۵۰.

<https://jcl.sdil.ac.ir>

۱۹. مهرا، نسرين؛ رود سرابی، حسن. (۱۳۹۹). قضازدایی پلیسی در نظام حقوق کیفری ایران و انگلستان؛ مبانی و جلوه‌ها، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۴(۹۶)، ۱۱۳-۱۳۸.

<https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir>

۲۰. مهرا، نسرين. (۱۳۹۸). *دايره المعارف عدالت كيفرى انگلستان*، تهران، نشر ميزان.
۲۱. مهرا، نسرين. (۱۳۸۹). بازگشت مداخله نظام كيفرى در قبال بزهكارى اطفال و نوجوانان در انگلستان، *آموزه‌های حقوق كيفرى*، ۱۳(۳۵): ۱۰۷-۱۳۰.

<https://cld.razavi.ac.ir>

۲۲. ميرى، سيدرضا. (۱۳۹۰). آيين دادرسى كيفرى تعقيب كيفرى تطبيقى در نظام عدالت كيفرى ايران و انگلستان، تهران: انتشارات مجد.
۲۳. مير خليلی، سيد محمود. (۱۳۹۳). «مراتب تعزير»، *پژوهش‌های فقهی*، ۱۰(۴): ۶۷۷-۷۰۶.
- <https://sid.ir/paper/۲۲۳۹۳۸/fa>
۲۴. نیاز پور، امير حسين. (۱۳۹۴). *حقوقى سازى يافته‌های جرم شناسانه در كتاب اول قانون مجازات اسلامى ۱۳۹۲*، فصلنامه *تحقيقات حقوقى*، ۱۸(۷۲): ۲۵۹-۲۳۳.

<https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir>

۲۵. هیأت پژوهشگران کاوندیش (۱۳۸۷). *نظام حقوقى انگلستان*، (نسرين مهرا، مترجم)، چاپ اول، تهران: نشر ميزان.

۲۶. Appard, T. Anna Stewart and others, (۲۳۳۹). “*The Use and Impact of Popice Diversion for Reducing Indigenous Over-Representation*” Report to the Criminopogy Research Council Grant, pp. ۲-۳.
۲۷. Brown, J, (۲۰۲۱). *Police powers: an introduction*, Commons Pibrary Briefing. <https://commonslibrary.parliament.uk>
۲۸. Epiphanio, F, (۲۰۲۰). *police discretion and procedurap justice : popicing diverse communities*, Universidade Federap de Mato Grosso. ۴(۸). ۸۸-۸۸. <https://orcid.org/۰۰۰۰-۰۰۰۲-۴۸۱۰-۰۵۰۱۰>.
۲۹. Pacey, A.R. (۱۹۸۶). *A Dictionary of Phiposophy*; Pondon; Routpedge.
۳۰. Pourine Kaap, H, (۲۰۰۸), *The Popice Cautioning Of Drug Offenders: Popicies Practices, And Attiudes*, The University Of Bristop.
۳۱. Spothower, M. “Strengthening Police Professionalism with Decision Support: *Bounded Discretion in Out-of-Court Disposals*” *Policing*, Vol. ۸, N. ۴, ۲۰۱۴.

۳۲. Spapper, G, David (۲۰۱۰). The English Pegap System, Pondon, Routpedge Pubpishing, ۱۱th Edition.
۳۳. Vogper, R and H, Barbara (۲۰۱۰), Criminap Procedure in Europe, Berpin, Max-Ppanck-Institute.
۳۴. Wang, Jia.J and Don Weatherburn(۲۰۱۹), “Are popice cautions a soft option? Reoffending among juvenipes cautioned or referred to court” *Austrapian & New Zeapand Journap of Criminopogy*, Vop. ۵۲(۳). DOI: ۱۰, ۱۱۷۷/۰۰۰۴۸۶۵۸۱۸۷۹۴۲۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی